

به نام خدا

آنیتا ارغند
باران سحرخیز
النا حسینی
سرکار خانم صوفی

فهرست

توضیحات - ۰

امکان وقوع چشم زخم - ۱

چشم زخم به فرزندان یعقوب - ۲

نگرانی یعقوب از چشم زخم خوردن - ۲'۱

تدبیر حضرت بعقوب - ۲'۲

اعتراف - ۲'۳

چشم زخم زدن به پیامبر - ۳

تلاش کافران برای چشم زخم زدن - ۳'۱

تلاش منافقان برای چشم زخم زدن - ۳'۲

عوامل مصونیت از شور چشم - ۴

توکل بر خدا - ۴'۱

یاری خواستن از خداوند - ۴'۲

ظاهر نشدن در برابر شور - ۴'۳

پناه بردن به ربوبیت خدا - ۴'۴

توضیحات

Evil (به انگلیسی) چشم نظریا چشم بد یا چشم زخم یا چشم حسد - o
(به عبری: עין הרע) (malocchio: به ایتالیایی)، (Μάτι: به یونانی)، (Eye)
یک نفرین یا افسانه خرافی است که از یونان باستان، مصر باستان و روم
سرچشمه میگیرد. چشم زخم بر این باور شکل گرفته که کسانی که به
موفقیت های بزرگ میرسند مورد حسادت اطرافیان شان قرار میگیرند و
این حسادت به شکل نفرین، خوشبختی آنها را ویران میکند.
بر اساس افسانه های خرافی، چشم زخم میتواند باعث بدشانسی یا
رخداد بد میشود. بسیاری از فرهنگها معتقدند که دریافت چشم بد
باعث بدبختی یا آسیب خواهد شد. برخی معتقدند نوعی نیروی
فراطبیعی وجود دارد که نگاه بدخواهانه کسانی را که خواهان آسیب
رساندن به دیگران (به ویژه بیگناهان) هستند میاندازد یا منعکس
میکند. طلسمها یا تعویذ های ایجاد شده برای محافظت در برابر چشم
بد نیز اغلب «چشم زخم» نامیده میشوند. چشم زخم های قدیمی اغلب
روی سرامیک یا خاک رس کشیده میشدند. تولید شیشه در سرزمینهای
کناره دریای مدیترانه نزدیک به سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد، نقش مهمی
در گسترش استفاده از چشم زخم در میان فنیقیها، یونانیها، رومیها و
عثمانیها داشت. کاربرد رنگ آبی به احتمال زیاد به دلیل در دسترس
بودن اکسیدهای مس و کبالت در مصر بود که برای روکش ظروف گلی
استفاده میکردند. رنگ آبی مورد پذیرش مردم ترک بود زیرا با تنگری،
خدای آسمان در باور آنها رابطه نزدیکی داشت. با این وجود
چشمزخمهای مدرن میتوانند طیف وسیعی از رنگها باشند.

همچنین اعتقاد به افسانه خرافی چشمزخم همواره بر آن است که تنها

برخی افراد دارای چنین خاصیتی هستند و میتوانند دیگران را چشم بزنند. اما گسترش چنین اعتقادی به همه افراد، زمینه بدبینی شهروندان به یکدیگر را فراهم میکند.

پلوتارک، فیلسوف یونانی در یکی از کتابهای خود تلاش میکند بر خلاف واقعیت، برای چشمزخم توضیح علمی ارائه دهد. او در کتاب خود میگوید چشم انسان میتواند پرتویی ساطع کند که در بعضی موارد حتی باعث مرگ کودکان و حیوانات کوچک شود. او حتی ادعا میکند که گروههایی از مردم در جنوب دریای سیاه مهارت ویژه‌ای در استفاده از این نفرین دارند و بیشتر آنها چشمهای آبی‌رنگ دارند. البته این احتمالاً به این دلیل است که مردمان چشم آبی‌رنگ کمی در کناره دریای مدیترانه زندگی میکنند. اما در نهایت، هیچکدام از ادعاهای او از طرف جامعه علمی پذیرفته نشده و بر اساس علم، اکنون چشمزخم به عنوان خرافات شناخته میشود.

برخی فرهنگها وجود چنین قدرت افسانه‌ای را با بدخواهی ذاتی برابر نمیدانند. بعضی از فرهنگها نیز عقیده دارند که شخصی که میتواند بقیه را چشم بزند خود باری ناخواسته بر دوش دارد و در واقع خود نفرین شده است. برای نمونه، الورثی به اسطوره‌های باستانی در لهستان اشاره میکند. مردی بود که نگاهش چنان قدرتی در نفرین دیگران داشت که عاقبت چشمان خود را کور کرد تا دیگر باعث بدبختی کسانی که دوستشان داشت نشود.

فردریک توماس الورثی در کتاب چشمزخم: گزارشی کلاسیک از خرافهای باستانی به نگاه سنگ‌کننده گورگونها یونانی و داستانهای محلی ایرلندی درباره مردانی که میتوانند تنها با یک نگاه اسبی را جادو کنند

اشاره میکند و میگوید تقریباً در همه فرهنگها اسطوره‌های درباره چشم زخم دیده میشود

ایده چشم بد باعث میشود که فرهنگهای مختلف اقدامات محافظتی را علیه آن دنبال کنند. نزدیک به ۴۰٪ از مردم جهان به چشم بد اعتقاد دارند. این مفهوم و اهمیت آن در میان فرهنگهای گوناگون، متفاوت است. اما در سرزمینهای کناره دریای مدیترانه و غرب آسیا بسیار برجسته است. این ایده چندین بار در ادبیات ربانی یهودی ظاهر شده است.

امکان وقوع چشم زخم - ۱

مکان وقوع چشم زخم و حقانیت تأثیرات آن در قرآن کریم آمده است. وقال یبنی لا تدخلوا من باب وحد وادخلوا من ابوب متفرقة وما اغنی عنکم من الله من شيء ان الحكم الا لله علیه توکلت وعلیه فلیتوکل المتوکلون (و گفت ای پسران من (همه) از یک دروازه (به شهر) در نیایید بلکه از دروازه های مختلف وارد شوید و من (با این سفارش) چیزی از (قضای) خدا را از شما دور نمی توانم داشت فرمان جز برای خدا نیست بر او توکل کردم و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند.)

ترس یعقوب بطوری که دیگران هم گفته اند، از این بوده که مردم «ایشان را که برادران از یک پدرند در حال اجتماع ببینند و چشم بزنند، و یا بر آنان حسد برده (و برای خاموش ساختن آتش جسد خود، وسیله از بین بردن آنان را فراهم سازند) و یا از ایشان حساب ببرند و برای شکستن اتفاقشان توطئه بچینند، یا بقتلشان برسانند و یا بلای دیگری بر سرشان بیاورند».

وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک با بصرهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون (و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود

که تو را چشم بزنند و می گفتند او واقعا دیوانه ای است.)
بسیاری از مردم معتقدند: در بعضی از چشمها، اثر مخصوصی است «
که، وقتی از روی اعجاب به چیزی بنگرند، ممکن است آن را از بین ببرد،
یا درهم بشکند، و اگر انسان است، بیمار یا دیوانه کند.

این مسأله، از نظر عقلی امر محالی نیست، چه این که بسیاری از
دانشمندان امروز معتقدند: در بعضی از چشمها، نیروی مغناطیسی
خاصی نهفته شده، که کارائی زیادی دارد، حتی با تمرین و ممارست
می‌توان آن را پرورش داد، خواب مغناطیسی از طریق همین نیروی
مغناطیسی چشمها است.

در دنیائی که «اشعه لیزر»- که شعاعی است نامرئی- می‌تواند کاری کند
که از هیچ سلاح مخربی ساخته نیست، پذیرش وجود نیروئی در بعضی
از چشمها که از طریق امواج مخصوص، در طرف مقابل اثر بگذارد، چیز
عجیبی نخواهد بود.

بسیاری نقل می‌کنند: با چشم خود افرادی را دیده‌اند که دارای این
نیروی مرموز چشم بوده‌اند، و افراد یا حیوانات یا اشیائی را از طریق
چشم زدن از کار انداخته‌اند.

لذا، نه تنها نباید اصراری در انکار این امور داشت، باید امکان وجود آن را
از نظر عقل و علم پذیرفت.

در روایات اسلامی نیز، تعبیرات مختلفی دیده می‌شود، که وجود چنین
«امری را اجمالاً تأیید می‌کند.

چشم زخم به فرزندان یعقوب - ۲

نگرانی یعقوب از چشم زخم خوردن - ۲'۱

حضرت یعقوب علیها السلام از چشم زخم مصریان، نسبت به فرزندان خویش، بیمناک بوذید.

..وقال یبنی لا تدخلوا من باب وحد وادخلوا من ابوب متفرقة
از ابن عباس نقل شده که یعقوب علیها السلام برای آنان از چشم زخم
ترسید.

تدبیر حضرت بعقوب - ۲'۲

مهربانی یعقوب علیه السلام، عامل تدبیر آن حضرت برای حفظ سلامت فرزندان، از چشم زخم مردم مصر، با امر آنان به ورود به آن از درهای متعدد بود.

..وقال یبنی لا تدخلوا من باب وحد وادخلوا من ابوب متفرقة
علّت دیگری که برای این دستور یعقوب ذکر شده این است که ممکن «
بود وارد شدن دسته جمعی آنها به يك دروازه مصر و حرکت گروهی آنان
با قیافه های جذاب و اندام درشت، حسد حسودان را برانگیزد و همین
حسادت باعث شود که درباره آنها نزد دستگاه حکومت سعایت کنند و
آنان را به عنوان جمعیتی بیگانه که قصد خرابکاری دارند مورد سوء ظن
قرار دهند. از اینرو پدر به آنها دستور داد که از دروازه های مختلف وارد
...شوند تا جلب توجه نکنند»

اعتراف - ۲'۳

اعتراف یعقوب علیها السلام مبنی بر اینکه در صورت تعلق اراده الهی به
فرزندانش، قادر نیست از چشم زخم به آنان جلوگیری کند.
وقال یبنی لا تدخلوا من باب وحد وادخلوا من ابوب متفرقة وما اغنی
عنکم من الله من شیء.. (و گفت ای پسران من (همه) از يك دروازه (به
شهر) در نیایید بلکه از دروازه های مختلف وارد شوید و...)

سپس به اطلاق کلام خود رجوع نموده از آنجایی که ظهور در این « داشت که وارد شدن از درهای متعدد سبب اصیل و مستقلى است برای دفع بلا، - و هیچ موثری در وجود بجز خدای سبحان در حقیقت نیست - لذا کلام خود را به قیدی که صلاحیت آنرا دارد مقید نموده چنین خطاب کرد: (و ما اغنى عنكم من الله من شىء - من با این سفارشم بهیچ وجه نمیتوانم شما را از دستگیری خدا بی نیاز کنم)، آنگاه همین معنا را تعلیل نموده به اینکه (ان الحكم الا لله) یعنی من با این سفارشم حاجتی را که شما به خداوند سبحان دارید برنمی آورم، و نمی گویم که این سفارش سبب مستقلى است که شما را از نزول بلا نگاهداشته و توسل به آن موجب سلامت و عافیت شما می شود، زیرا اینگونه اسباب، کسی را از خدا بی نیاز نمی سازد، و بدون حکم و اراده خدا اثر و حکمی ندارد، پس بطور مطلق حکم جز برای خدای سبحان نیست، و این اسباب، اسباب ظاهری هستند که اگر خدا اراده کند صاحب اثر می شوند.»

چشم زخم زدن به پیامبر - ۳

تلاش کافران برای چشم زخم زدن - ۳'۱

کافران، در تلاش برای چشم زخم زدن به پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصرهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون (و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند و می گفتند او واقعا دیوانه ای است.)
 زلق» به معنای لغزیدن و «لیزلقونک بابصارهم» یعنی تا تو را با «چشمانشان آزار برسانند، پس تو را از مقامی که خدا برایت قرار داده

بلغزانند.

آیه فوق، که پایان سوره قلم را تشکیل می‌دهد، در حقیقت، تعقیب «چیزی است که در آغاز این سوره درباره نسبت جنون از ناحیه دشمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله آمده... در تفسیر این آیه نظرات گوناگونی داده‌اند:

۱. بسیاری از مفسران گفته‌اند: منظور این است: دشمنان به هنگامی که آیات با عظمت قرآن را از تو می‌شنوند، به قدری خشمگین و ناراحت می‌شوند، و با عداوت به تو نگاه می‌کنند که، گوئی می‌خواهند تو را با چشمهای خود بر زمین افکنند و نابود کنند!

و در توضیح این معنی، جمعی افزوده‌اند: آنها می‌خواهند از طریق چشم زدن - که بسیاری از مردم به آن عقیده دارند و می‌گویند: در بعضی از چشمها، اثر مرموزی نهفته است، که با يك نگاه مخصوص ممکن است طرف را بیمار یا هلاک کند - تو را از بین ببرند.

بعضی دیگر گفته‌اند: این کنایه از نگاههای بسیار غضب‌آلود است، ۲. مثل این که می‌گوئیم: فلان کس آن چنان بد به من نگاه کرد که، گوئی می‌خواست مرا با نگاهش بخورد یا بکشد!

تفسیر دیگری برای این آیه به نظر می‌رسد، که شاید از تفسیرهای بالا ۳. نزدیکتر باشد و آن این که: قرآن می‌خواهد تضاد عجیبی را که در میان گفته‌های دشمنان اسلام وجود داشت با این بیان ظاهر سازد و آن این که:

آنها وقتی آیات قرآن را می‌شنوند، آن قدر مجذوب می‌شوند و در برابر آن در شگفتی فرو می‌روند که، می‌خواهند تو را چشم بزنند (زیرا چشم زدن معمولاً در برابر اموری است که، بسیار اعجاب‌انگیز می‌باشد) اما در عین حال، می‌گویند:

تو دیوانهای، و این راستی شگفت‌آور است، دیوانه و پریشان گوئی کجا؟ و

«این آیات اعجابانگیز جذاب و پرنفوذ کجا؟»

تلاش منافقان برای چشم زخم زدن - ۳'۲

برخی افراد در تلاش بودند تا به پیامبر صلی الله علیه وآله به وسیله چشم زخم آسیب برسانند.

قل اعوذ برب الفلق... ومن شر حاسد اذا حسد (گو پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم و از شر (هر) حسود آنگاه که حسد ورزد.)
بعضی از مفسرین گفته اند: این آیه شامل چشم زدن اشخاص شور چشم نیز می‌شود، چون چشم زدن هم ناشی از نوعی حسد درونی می‌گردد، شخص حسود وقتی چیزی را ببیند که در نظرش بسیار شگفت آور و بسیار زیبا باشد حسدش تحریک شده، با همان نگاه، زهر خود را می‌ریزد.»

عوامل مصونیت از شور چشم - ۴

توکل بر خدا - ۴'۱

توکل بر خدا، عاملی برای مصونیت از چشم زخم است.
وقال یبنی لا تدخلوا من باب وحد وادخلوا من ابوب متفرقة وما اغنی عنکم من الله من شیء ان الحكم الا لله علیه توکلت وعلیه فلیتوکل المتوکلون.. (و گفت ای پسران من (همه) از یک دروازه (به شهر) در نیایید بلکه از دروازه های مختلف وارد شوید و من (با این سفارش) چیزی از (قضای) خدا را از شما دور نمی‌توانم داشت فرمان جز برای خدا نیست بر او توکل کردم و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند.)

يعقوب (عليه السلام) بهمين جهت دنبال گفتار خود اضافه کرد که : «
 ((عليه توکلت و عليه فليتوکل المتوکلون)) يعنى در عين اينکه
 دستورتان دادم که به منظور دفع بلايی که از آن بر شما می‌ترسم متوسل
 به آن شوید، در عين حال توکلم به خداست، چه در اين سبب و چه در
 ساير اسبابی که من در امورم اتخاذ می‌کنم.
 و اين مسیری است که هر عاقل رشیدی بايد سیره خود قرار دهد، زیرا
 اگر انسان دچار گمراهی نباشد می‌بيند و احساس می‌کند که نه
 خودش مستقلا می‌تواند امور خود را اداره کند، و نه اسباب عادی که در
 اختيار اوست می‌توانند مستقلا او را به مقصدش برسانند، بلکه بايد در
 همه امورش به وکیلی ملتجی شود که اصلاح امورش به دست اوست، و
 او است که به بهترين وجهی امورش را تدبیر می‌کند، و آن وکیل همان
 خدای قاهری است که هيچ چیز بر او قاهر نيست، و خدای غالبی است
 که هيچ چیز بر او غالب نيست، هر چه بخواهد می‌کند و هر حکمی که
 ».اراده کند انفاذ می‌نماید

یاری خواستن از خداوند - ۴'۲

تنها خداوند، قادر بر جلوگیری از چشم زخم میباشد.
 وقال يبنى لا تدخلوا من باب وحد وادخلوا من ابوب متفرقة وما اغنى
 عنكم من الله من شيء ان الحكم الا لله عليه توکلت و عليه فليتوکل
المتوکلون

ظاهر نشدن در برابر شور چشمان - ۴'۳

ظاهر نشدن در برابر شور چشمان، راهی برای در امان ماندن از چشم
 زخم است.

...وقال يبنى لا تدخلوا من باب وحد وادخلوا من ابوب متفرقة

بی‌گمان پایتخت مصر در آن روز، مانند هر شهر دیگر، دیوار و برج و بارو داشت و دروازه‌های متعدّد، اما اینکه چرا یعقوب سفارش کرد فرزندانش از يك دروازه وارد نشوند بلکه به گروه‌هایی تقسیم شوند و هر گروهی از يك دروازه وارد شود، دلیل آن در آیه فوق ذکر نشده است.

بعضی از مفسّران گفته‌اند: علت چنین دستوری این بود که برادران یوسف، هم از جمال کافی بهره‌مند بودند (گرچه یوسف نبودند ولی برادر او بودند) و هم قامتهای رشید داشتند، و یعقوب نگران بود که جمعیت یازده نفری که قیافه‌هایشان نشان می‌داد از يك کشور دیگر به مصر آمده‌اند، توجّه مردم را به خود جلب کنند، او نمی‌خواست از این راه چشم‌زخمی به آنها برسد.»

پناه بردن به ربوبیت خدا - ۴'۴

پناه بردن به ربوبیت خدا و جاری ساختن استعاذه بر زبان، از راه‌های مصونیت از چشم زخم می‌باشد.

قل اعوذ برب الفلق • ومن شر حاسد اذا حسد (گو پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم • و از شر هر حسود آنگاه که حسد ورزد.)
مصدر (عوذ) که کلمه (اعوذ) متکلم وحده از مضارع آن است، به « معنای حفظ کردن خویش و پرهیز دادن از شر از راه پناه بردن به کسی است که می‌تواند آن شر را دفع کند، و کلمه (فلق) - به فتحه اول و سکون دوم - به معنای شکافتن و جدا کردن است، و این کلمه در صورتی که با دو فتحه باشد صفت مشبّه‌های به معنای مفعول خواهد بود، نظیر (قصص) به دو فتحه (چون قصص به کسره اول و فتحه دوم جمع قصه است)، که به معنای مقصوص یعنی حکایت شده، و یا نقل شده است، و غالباً این کلمه بر هنگام صبح اطلاق می‌شود، و فلق یعنی آن لحظه‌ای که نور گریبان ظلمت را می‌شکافد و سر بر می‌آورد.

و بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود: بگو من پناه می‌برم به پروردگار صبح، پروردگاری که آن را فلق می‌کند و می‌شکافد، و مناسب این تعبیر با مساله پناه بردن از شر، که خود ساتر خیر و مانع آن است، بر کسی پوشیده نیست.

ولی بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از کلمه (فلق) هر چیزی است که از کتم عدم به وسیله خلقت سر بر آورد، برای اینکه خلقت و ایجاد در حقیقت شکافتن عدم، و بیرون آوردن موجود به عالم وجود است، در «نتیجه رب فلق مساوی با رب مخلوق است»